

آشنایی با

نخ‌السلام

خطبه ۲۹

مهر امام حسن

نامه بکتاب اشتر

تقطیع جملات، معنی عبارات و شرح آیات

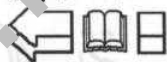
همراه با

اشارات تفسیری

مهدی معینیان

سرشناسه: معینیان، مهدی، ۱۳۲۲ -
 عنوان قراردادی: نهج البلاغه، فارسی- عربی، برگزیده، شرح
 عنوان و نام پدیدآور: آشنایی با نهج البلاغه: خطبه ۱ و ۲
 نامه به امام حسن مجتبی (ع) نامه با مالک اشتر... / مهدی معینیان.
 مشخصات نشر: شهر اندیشه: معینیان، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری: ۱۹۶ ص.
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۵۲۷-۲۴-۹: ۱۵۳۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۹۶.
 موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق -- خطبه‌ها
 موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I, ۶۱۱-۶۰۰, *Public speaking
 موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق -- نامه‌ها
 موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I, ۶۱۱-۶۰۰, -- Correspondence
 موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه -- نقد و تفسیر
 موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I. Nahjol - Balaghah -- Criticism and Interpretation
 شناسه افزوده: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه.
 برگزیده، شرح
 رده بندی کنگره: ۳۸/۵/۳۵/۶۴۰/۴۲۳
 رده بندی دیویی: ۵۱۵/۹۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۸۲۴۰

انتشارات سیبیل



آشنایی با نهج البلاغه

خطبه ۱ و ۲- نامه به امام حسن و نامه به مالک اشتر

تألیف: مهدی معینیان

ناظر چاپ:

چاپ: اول / ۱۳۹۵ / ۲۰۰۰ نسخه

چاپخانه: قلم گستر

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۵۲۷-۲۴-۹

ISBN : 978-964-6527-24-9

سایت اینترنتی www.mail.yahoo.com

پست الکترونیکی Mehdi_Moinian@yahoo.com

شهر اندیشه - فاز ۳ - محله ۲۷ - خیابان ولی عصر

خیابان توحید جنوبی - بن پست دوم - پلاک ۲۶

تلفن: ۶۵۵۶۳۲۶۹ همراهِ: ۰۹۱۲۴۲۱۵۹۴۰

قیمت: ۱۳۵۰۰ تومان

فهرست

۴۷	شناخت عصر جاهلیت	۵	مقدمه
۵۰	از جمله فضایل اهل بیت علیهم السلام	۱۱	ویژگیهای این اثر
۵۰	کار و حاصل کار فاسدان		
	منزلت بی بدیل خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله		خطبه ۱
۵۱		۱۵	شناخت خدا
	نامه به امام حسن علیه السلام (نامه ۳۱)	۲۰	آفرینش عالم
۵۳	انسان و حوادث روزگار		خلقت ملائکه و کفرهای آن
۵۷	مراحل خودسازی	۲۵	آفرینش آدم علیه السلام و رشتان بهشت
۶۰	اخلاق اجتماعی	۲۸	سکونت آدم در بهشت (برزخی)
۶۳	شباب در تربیت فرزند	۳۱	
۶۷	روان تربیت فرزند	۳۳	فلسفه بعثت پیامبران علیهم السلام
۷۱	ضرورت توجه به معنویات	۳۶	بعثت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله
۷۸	معیارهای رابطه اجتماعی		ضرورت وجود امام پس از پیامبران
۸۳	نشانه‌های محبت الهی	۳۸	الهی
۸۷	ضرورت یاد رکشت	۳۹	قرآن و احکام اسلام
۹۰	شناخت دنیاپرستار	۴۱	حج وعده گاه آمرزش
۹۳	ضرورت واقع نگری در زندگی		
۱۰۰	حقوق دوستان		خطبه ۲
۱۱۰	جایگاه زن و فرهنگ پرهیز		
	نامه به مالک اشتر نخعی (نامه ۵۳)		ویژگیهای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله
۱۱۵	ضرورت خودسازی	۴۵	

۱۵۳	مالیات دهندگان	۱۱۷	اخلاق رهبری
۱۵۶	سیمای نویسندگان و منشیان	۱۲۱	پرهیز از غرور و خودپسندی
۱۶۰	بازرگانان و صاحبان صنایع	۱۲۳	مردم‌گرایی، حق‌گرایی
	بخشی از وظایف اجتماعی زمامدار	۱۲۵	ضرورت رازداری
۱۶۹		۱۲۷	جایگاه صحیح مشورت
	نحوه رفتار زمامدار با خویشاوندان	۱۳۰	اصول روابط اجتماعی رهبران
۱۷۴			ساخت طبقات گوناگون مردم
۱۷۷	روش برخورد با دشمن	۱۳۳	
۱۸۱	هشدار از ریختن خونها	۱۳۹	ویژگیهای ماندگار سپاه
	هشدار از خودپسندی و منت‌گذاری	۱۴۶	سیمای قضات و راز
۱۸۳		۱۵۰	کارگزاران دولتی
۱۸۴	هشدار از شتابزدگی		
۱۸۵	هشدار از امتیاز خواهی		
۱۸۹	منابع		
۱۹۰	بی‌نویسها		



مقدمه

صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

«نهج البلاغه»، یعنی «راه زیبا سخن گفتن» و بلاغت، متناسب بودن سخن فصیح است با مقتضای مقام و حال مخاطب. به منظور تأثیر بهتر کلام. سخن فصیح، یعنی سخنی که روان و نزدیک به فهم و در گوش شنونده خوشایند باشد و در جموع، بلاغت و فصاحت در کلام، رسایی آن در معصود و شایسته برای آن در لفظ است. انتخاب این اسم با مسَمَّی برای این کتاب شریف، توسط گردآورنده آن، سید شریف رضی رحمته الله علیه در این جهت بوده است که سخنان علی رحمته الله علیه در عین برخورداری از علو معنی، به نحو اعجاب انگیزی با زیورها و آرایه‌های ادبی و معنوی، نظیر: استعاره، تشبیه، جناس، موازنه، تلمیح و غیره، آراسته شده است و مخصوصاً سجع در تمام کتاب دیده می‌شود و آن حضرت به سجع گویی شهرت داشته‌اند، کما اینکه پسر زیاد پس از شنیدن خطبه غزای حضرت زینب سلام الله علیها گفت: «سخن به سجع می‌گوید؛ پدرش نیز سخنان مسجع می‌گفت.» اما در یک کلام، محتوای کلام در نهج البلاغه مانند قرآن

کریم، به دو بخش قابل تقسیم است: یکی درس زندگی و دیگری آموزش بندگی که هر دو در یک عبارت «هدایت به صراط مستقیم» قابل جمع است و اما چرا این بزرگوار در بین ائمه اطهار علیهم السلام سردار و یگه سوار میدان فصاحت و بلاغت است. این سؤالی است که این حقیر بی مقدار تاکنون در جایی ندیده‌ام و از کسی نشینده‌ام، شاید یک پاسخ این باشد که بره‌ر دگار متعال برای پیشبرد امر هدایت بندگان، بر اساس طرح ربوبی و تدابیر حکیمانه خود گاهی مصلحت می‌داند که فرد یا افراد خاصی را در برهه‌ای از زمان مورد عنایت ویژه‌ای قرار دهد تا آن فرد یا افراد در نظام احسن فلان نقش را ایفا کنند و این رمزی است که تنها خود پروردگار متعال و یا هر کس که او را می‌داند.

پاسخ دیگر ممکن است این باشد که مردم زمان علی علیه السلام آن اخلاص و تدبیر زمان رسول الله صلی الله علیه و آله را بوسیده و کنار گذاشته بودند؛ از طرفی هنوز خاطر اشرار زمان جاهلی و جملات آهنکین بلغا و فصحای دورن جاهل در ذهن متنفذین و ریش‌سفیدان آنها پاک نشده بود، شاید انقضای زمان این بود که کلام آن حضرت به تبع قرآن از فصاحت و بلاغت چشمگیری برخوردار باشد تا بهتر اثر کند. «از سخنان امام علیه السلام در خطبه ۵۶ چنین بر می‌آید که مردم کوفه به خوی بادیه‌نشینی برگشته بودند. آنجا که می‌فرماید: «بدانید که شما پس از هجرت دوباره به خوی بادیه‌نشینی برگشته‌اید و پس از پیمان دوستی، دسته دسته شده‌اید و از اسلام جز به اسم آن بستگی ندارید و از ایمان جز نشانه‌ای

نمی‌شناسید... شما رشته اسلام را گسستید و حدود آن را شکستید و احکام آن را به کار ن بستید...»

و در خطبه ۴۶ پس از تشریح وضع خود و مسلمانان در زمان رسول خدا ﷺ به آنها می‌گوید:

«اگر (در آن زمان) رفتار ما مانند (رفتار امروز) شما بود، نه ستون دین بر جا بود و نه درخت ایمان شاداب و خوشنما.»

این فصاحت و بلاغت را علی علیه السلام در مدرسه‌ای نیاموخته بود و همه را بی‌اندیشه پیش و بدون تلاش برای زیباسازی و موزن و ه سجع ساختن کلام خویش بر زبان آورده است: آنچه سخن امام علی را تا بدان درجه بالا برده که گویند برتر از سخن آفریده رف و تر از گفته آفریننده است، رنگی است که از کلام پروردگار در گفتار آن حضرت می‌بینیم. گفتاری بی‌اندیشه پیش و بی‌آموختن از استادی، - کم یا بیش -»^۱

به هر حال اولیاء خدا هم همه در یک مرتبه نیستند و علی علیه السلام در بین ائمه طاهرین ﷺ شایسته و برجستگیهای خاصی داشته است که همه به آن اذعان داشته‌اند؛ ولی چرایی آن را باز باید در چهارچوب تدابیر حکمانه مقام ربوبی جستجو کرد که رمز و راز آن را جز مدبر حکیم و یا هر که را خودش بخواهد نمی‌داند و حتی بحث در اطراف آن از توان تهیدست ناتوانی چون این ناچیز خارج است.

اما درباره شخصیت و عمق و وسعت کلام آن حضرت، من نه آنم که بتوانم در این وادی حیرت قدمی بردارم و در میان

امواج این دریای پر عظمت سری بر آرم و چه مناسب حال
خود می‌دانم این شعر شاعر عارف را که گفت:
يَا وَاصِفَ الْمُرتَضَى قَدْ صِرْتُ فِي التَّيَّةِ،
هَـيْثَاتَ هَـيْثَاتَ مِمَّا تَمَنَّى.

ای کسی که می‌خواهی علی مرتضی را توصیف کنی، چه
ارزوی محالی در سر می‌پرورانی! نه، نه. تو تنها در صحرای
بیگانگی و سرگشتگی قدم نهاده‌ای و هرگز راه به جایی
نخواهی برد.

پس بهتر است سخن را از زبان کسانی بگویم که در میان
سران اهل سم سری دارند و از عالم معرفت خبری؛ از این رو
ابتدا میدان را به یکی از شارحان نهج البلاغه یعنی ابن ابی
الحدید معتزلی وامی‌گذارم که خود از دانشمندان بزرگ و
معروف اهل سنت در قرن هفتم هجری است، او «شرح» خود
را در بیست جلد نوشته است و «ارها» در زمینه فصاحت و
بلاغت فوق العاده نهج البلاغه سر خطیب فرود آورده و در
مورد شخصیت علی علیه السلام می‌گوید:

«سبحان الله! چه کسی این همه امتیازات گران بها و
ویژگیهای شریف و با ارزش را به این مرد نمونه علی علیه السلام
بخشیده؟ چگونه می‌شود یکی از فرزندان عرب مکه که تنها
در آن محیط زیسته و با هیچ یک از فلاسفه همنشین نبوده،
در دقایق علوم الهیه و حکمت متعالیه، از افلاطون و ارسطو
آگاهتر باشد. کسی که با بزرگان عرفان و اخلاق هرگز
معاشر نبوده در این باب برتر از سقراط باشد. کسی که در
میان شجاعان پرورش نیافته (چون اهل مکه صاحبان

تجارت بودند، نه جنگجو) با این حال شجاعترین فردی باشد که گام بر روی زمین نهاده است».^۲

و نیز گردآورنده نهج البلاغه، محمد بن ابی احمد حسنی، معروف به سید شریف رضی رحمته الله علیه که خود از بزرگان علمای شیعه^۳ است در معرفی شخصیت آن حضرت می‌گوید:

از شگفتیهای حضرتش که بدان ممتاز و بی‌همتاست این که اگر کسی در گفتار آن حضرت پیرامون زهد و مواعظ مثل کند - و خود را از قید این اندیشه برهاند که این سخن شخصی عظیم القدر و نافذ الأمر است که همه در برابرش سر تعظیم فرود می‌آورند - بی‌گمان آن را سخن زاهدی می‌پندارد که جز در وی زهد قدم نهاده و اشتغالی غیر از عبادت نداشته است و یقین می‌کند که این سخن از کسی است که در گوشه خانه‌ای تنهایی و دور از اجتماع، یا در کنار کوهی قرار گرفته که جز صدای خودش را نمی‌شنود و غیر خویش دیگری را نمی‌بیند و همواره مشغول عبادت می‌باشد.

هیچ‌گاه نمی‌تواند باور کند که این سخن از کسی است که به هنگام جنگ با شمشیر کشیده در دریای سکر شدن فرو می‌رفت و پهلوانان و جنگجویان نیرومند را بر زمین می‌فکند و گردن گردنکشان را قطع می‌کرد و هنگامی که به لشکرگاه باز می‌گشت از دم شمشیر او خون می‌چکید و او با این حال پیشوای زاهدان و برترین صالحان است و این از فضایل عجیب و شگفتی‌زا و ویژگیهای ظریف آن حضرت است که جمع میان اضداد و صفات گوناگون و متضاد کرده است».^۴

بی‌نظیر بودن کلام امام و شخصیت بی‌همتای او دانشمندان را به چنان خضوعی واداشته است که کار لایل، فیلسوف بزرگ انگلیسی می‌گوید:

«اما علی، ما را نمی‌رسد، جز آن که او را دوست بداریم و به او عشق بورزیم، چه او جوانمردی بس عالیقدر و بزرگ‌نفس بود. از سرچشمه وجدانش خیر و نیکی می‌جوشید، از دلش، مله‌های شور و حماسه زبانه می‌زد، شجاعتی از شیر زین بود و ولی شجاعتی ممزوج با لطف و رحمت و عواطف رقیق و لطیف»^۵

جورج جرداق نو بسنده معروف مسیحی لبنانی در کتاب «الامام علی صوره انسانیة» در پایان فصلی که به بیان شخصیت «علی» علیه السلام تعریفش داده است، در باره نهج البلاغه چنین می‌گوید:

«در بلاغت، فوق بلاغتهاست. می‌آید است که از مقام خود اندکی فرود آمده، سخنی است که تمام زیباییهای زبان عرب را در گذشته و آینده در خود جای داده تا آنجا که در باره گوینده آن گفته‌اند: سخنش پایین‌تر از کلام خالق و بالاتر از کلام مخلوق است»^۶

ویژگیهای این اثر

تاکنون آنچه به زبان فارسی در مورد نهج البلاغه انجام داده ترجمه و شرح است. اولین ترجمه نهج البلاغه را که مؤلف آن ناشناخته است، شاه عباس صفوی در سال ۱۰۶۰، درست یک سال پس از طلاکاری گنبد مطهر، وقف مرحوم حضرت رضا علیه السلام کرده است. پس از شهریور ۱۲۲۰ از مرده بود جواد فاضل مجموعه‌ای منتشر شد که هر چند از نمای آن روان و دلچسب است، اما در بسیاری موارد با سخنان امام علیه السلام ارتباطی ندارد، پس از آن مرحوم، ترجمه‌ای که حاصل شد و مقبول همگان افتاد، اثر مرحوم سید علی نقی رحمته الله علیه است. پس از ایشان نیز چندتن از فاضلان و عربی دانان به کار ترجمه کامل پرداختند که کم و بیش خرابان آن از آنها اطلاع دارند. از تفاسیر فارسی هم آنچه در دست است یکی ترجمه شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی است که در قرن هفتم می‌زیسته و اینک در هشت جلد در دسترس همگان است و دیگری شرح «پیام امام» است که در یازده مجلد توسط آیه الله مکارم شیرازی و

چندتن از فضلا و دانشمندان انجام شده است و البته در این دو شرح بعضی از لغات را هم جداگانه معنی و شرح کرده‌اند.

بی تردید جز اساتید سطح بالای زبان عربی در دانشگاهها و علمای طراز اول حوزه، قاطبة تحصیل‌کردگان ما از فهم متن عربی این کتاب شریف محرومند و تاکنون قدسی جامع و مؤثر در حل این مشکل برداشته نشده است. این حقیر پس از اتمام ترجمه و تفسیر ۱۶ جلدی آن کریم تحت عنوان تفسیر «باران رحمت» و تفسیر مختصری که برای همراهی با شرح لغات، بر آن شدم که کار ترجمه و شرح مختصر لغات نهج البلاغه را صفحه به صفحه آغاز کند. برای کسب این توفیق ابتدا در مقابل ضریح آن حضرت و فرزند شهیدش علیه السلام در نجف و کربلا زانو زدم و دست‌ها را به دامن آنان دراز کردم تا از محضر پروردگار بخواهم توفیق انجام چنین کار بزرگی را به این حقیر بی‌بضاعت عاقل و فانی و اینک به عنایت پروردگار متعال، دو خطبة اول و دو ناله یکنوازی به امام حسن علیه السلام و دیگری به مالک اشتر نخعی علیه السلام این ترتیب به زیور چاپ آراسته شده است. ضمناً به جای ریشه افعال، مصدر را ذکر کرده‌ام تا دامنه دانش لغوی خواننده افزایش پیدا کند.

مآخذی که در تألیف این اثر مورد استفاده قرار گرفته در پایان هر مجلد ذکر شده و تفسیرها غالباً برگرفته از «شرح تازة و جامعی بر نهج البلاغه، معروف

به «پیام امام»، تألیف حضرت آیه الله مکارم شیرازی با همکاری جمعی از فضلا» است که در یازده جلد چاپ شده و گاهی مطلب با اندکی تلخیص و تصرف بیان شده است که به منظور قطع نشدن ارتباط کلام، ذکر مآخذ یا تفاسیر طولانی در پایان هر خطبه یا نامه آمده است. اینک آن را به محضر ارباب معرفت عرضه می‌دارم؛ بدین امید که از نظریات و ارشادات اصلاحی و نقد عالمانه آنان هم در چاپ بعدی همین اثر و هم در آنچه در پیش است استفاده کنم، و چنانچه توفیق رفیق راه نباشد، روزی این کار دشوار را در سایه عنایات خاصه پروردگار متعال و توجّهات آن ذوات عالی‌مقدار به پایان برسانم و دست همه کسانی را که این حقیر ناچیز را در انجام بهتر آن باری کنند، از دور و نزدیک می‌بوسم. از آنجا که این کار در روز رحلت رسول خدا ﷺ و شهادت حضرت امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) پایان یافت، ضمن عرض تسلیت به پیشگاه ولی عصر ارواحنا فداه، و امید به توجّهات ایشان در میمودن این راه؛ با نهایت ادب و خضوع آن را به محضر پاک، این دو خورشید تابناک آسمان هدایت و روشنگر راه خمشندگان وادی ضلالت تقدیم می‌دارم.

والله المستعان

مهدی معینیان

۱۳۹۳ / ۹ / ۳۰